

انواع ادبی (۲)

اهداف کلی فصل :

- ۱- آشنایی با مفاهیم و پیام‌های آثاری از ادب غنایی و تعلیمی ایران
- ۲- آشنایی با نمونه‌هایی از آثار ادب غنایی و تعلیمی
- ۳- آشنایی با برخی از پدیدآورندگان آثار ادب غنایی و تعلیمی
- ۴- توانایی بخشیدن به دانش آموز در شناخت و تحلیل آثار ادب غنایی

و تعلیمی



چنان که پیش‌تر در تاریخ ادبیات خوانده‌اید، ناصر خسرو علوی قبادیانی (۴۸۱-۳۹۴ ه.ق.) شاعر و نویسنده قرن پنجم و از قصیده‌سرایان برجسته در عرصه شعر فارسی است. وی از جمله شاعرانی است که شعر را در خدمت عقیده و آرمان خود گرفت و قصیده‌های دینی و اخلاقی مستحکمی سرود که کم‌نظیرند و اغلب در حوزه ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرند. در این جا، بخشی از یک قصیده او را با هم می‌خوانیم.

دانش، دبیری و شاعری

- | | | |
|----|---|--|
| ۱ | نکوهش مکن چرخ نیلوفری ^۱ را | برون کن ز سر باد خیره سری را |
| ۲ | بری ^۲ دان از افعال چرخ برین را | نشاید ز دانا نکوهش بری را ^۲ |
| ۳ | همی تا کند پیشه، عادت همی کن | جهان مر بخا را، تو مر صابری را |
| ۴ | هم امروز از پشت بارت بیفکن | میفکن به فردا مر این داوری را |
| ۵ | چو تو خود کنی اختر خویش را بد | مدار از فلک چشم نیک اختر می را |
| ۶ | اگر تو از آموختن سر بتابی | نجوید سر تو همی سروری را |
| ۷ | بوزند، چوب درختان بی بر | سزا خود همین است مر بی بری را |
| ۸ | درخت تو گر بار دانش بگیرد | به زیر آوری چرخ نیلوفری را ^۳ |
| ۹ | گند، نشتری، امی برادر، کزاف | به دانش دبیری و نه شاعری را ^۴ |
| ۱۰ | بلی، این و آن هر دو نطق است لیکن | ماند همی سحر، بینغمبری را ^۵ |
| ۱۱ | اگر شاعری را تو پیشه گرفتی | بکی نیز بگرفت خنیاگری ^۶ را |
| ۱۲ | تو بر پایی آن جا که مطرب نشیند | سزد که به بری زبان جری ^۷ را |
| ۱۳ | صفت چند کوی بی به شمشاد و لاله | رخ چون مه و زلفک عنبری را |
| ۱۴ | پنده ست با زهد عمار و بوذر | کند مدح محمود مر عنصری را ^۸ |
| ۱۵ | من آنم که در پای حوکان نریزم | مر این قیمتی در لفظ دری را ^۹ |



توضیحات



- ۱- چرخ نیلوفری یعنی آسمان؛ کنایه از روزگار است.
- ۲- شایسته نیست که دانا عوامل غیر مؤثر در کاری را نکوهش کند.
- ۳- با فراگرفتن علم و دانش از آسمان سرفرازتر خواهی شد و آن را به فرمان خود در خواهی آورد.
- ۴- به هوش باش که بی جهت دبیری (نویسندگی) و شاعری را دانش واقعی نشمری.
- ۵- دبیری و شاعری هر دو نوعی سخن گفتن اند اما هیچ شباهتی با سخن پیامبران (وحی) ندارند.
- ۶- آیا با وجود عتار و ابوذر که هر دو مظهر زهد و تقوایند، شایسته است که عنصری (شاعر دربار غزنوی) محمود غزنوی را مدح کند؟
- ۷- من دُرّ پرارزش سخن فارسی را در پای صاحبان قدرت (خوکان) قربانی نمی کنم.



خودآزمایی

- ۱- بیت سوم را از نظر دستوری مرتب کنید.
- ۲- دیدگاه شاعر را در خصوص مدح و ستایشگری بنویسید.
- ۳- بیت سوم را از دید آرایه های ادبی بررسی کنید.

درس دوازدهم

«غزل» همواره یکی از قالب‌های رایج در ادب غنایی ایران بوده است. در سال‌های پیش، نمونه‌هایی از غزل‌غنایی را خواندیم. فخرالدین عراقی (۶۸۸-۶۱۰ ه.ق.) از شاعران بلند آوازه قرن هفتم، با غزل‌های گرم و دلپذیر و مؤثر و شورانگیز خود بر کمال و غنای «ادب غنایی» افزوده است. درون‌مایه غزلیات وی را اغلب «عشق» و «عرفان» تشکیل می‌دهد. نمونه زیر، از غزل‌های عارفانه عراقی است.

پیدا و پنهان

خوشا دردی که درماتش تو باشی
خوشا راهی که پایانش تو باشی
خوشا چشمی که رخسار تو بیند
خوشا نکلی که سلطانش تو باشی



خوشا آن دل که دلدارش تو کردی
 خوشا جانی که جانانش تو باشی
 خوشی و خرمی و کامرانی
 کسی دارد که خواهانش تو باشی
 چه خوش باشد دل امیدواری
 که امید دل و جانش تو باشی
 همه شادی و عشرت باشد، ای دوست
 در آن خانه که مهانش تو باشی
 گل و گلزار خوش آید کسی را
 که گلزار و گلکشش تو باشی
 چه باک آید ز کس آن را که او را
 نگهدار و نگهدارش تو باشی
 عراقی طالب درد است دائم
 به بومی آنکه درمانش تو باشی

میرزا ابوظالب کلیم معروف به کلیم کاشانی (۱۰۶۱-۹۹۰ ه.ق) از شعرای مشهور سبک اصفهانی یا هندی است. ابداع معانی و تخیل رنگین به غزل او لطف خاصی بخشیده است.

کلیم را به سبب ابداع معانی دل‌نشین «خلاق المعانی ثانی» لقب داده‌اند. شعر زیر، نمونه‌ای از غزلیات غنایی او به سبک هندی است. شاعر در این شعر، از طوفان درون خود و نیازش به معشوق و ناتوانی در برابر او سخن می‌گوید.

الفت موج

نه همین می‌رد آن نوگل خندان از من
می‌کشد خار در این بادیه، دامان از من^۱
با من، آمیزش او، الفت موج است و کنار
دم به دم با من و پیوسته گریزان از من
گرچه مورم ولی آن حوصله^۲ با خود دارم
که پنجم، بود ار نلک سلیمان از من



به تکلم، به خموشی، به تبسم، به نگاه
 می توان بُرد به هر شیوه، دل آسان از من
 قمری ریخته بالم، به پناه که روم؟
 تا به کی سرکشی، ای سرو خرامان از من؟
 اشک بیهوده مریز این همه از دیده، کلیم
 کرد غم را توان شست به طوفان از من



توضیحات

۱- نه تنها آن نوگل خندان (معشوق) مرا رها کرده است بلکه خار نیز از من دوری می‌گزیند.

۲- توانایی، قدرت، قابلیت



خودآزمایی

۱- آخرین بیت غزل عراقی را با این دو بیتی بابا طاهر مقایسه کنید و تحلیل خود را از این مقایسه بنویسید.

یکی درد و یکی درمان پسند یکی وصل و یکی هجران پسند
 من از درمان و درد وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسند

۲- آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» با کدام بیت درس ارتباط معنایی دارد؟

۳- یک نمونه ابهام در بیت نخست غزل «الفت موج» پیدا کنید.

۴- تغییر دادن جای تکیه در کدام کلمه بیت زیر، باعث تغییر معنا می‌شود؟

قمری ریخته بالم، به پناه که روم تا به کی سرکشی، ای سرو خرامان از من

۵- یک تشبیه نهفته در بیت پایانی درس الفت موج پیدا کنید.



مردان خدا

مردان خدا پردهٔ پندار دریدند
یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند
هر دست که دادند از آن دست گرفتند
هر نکته که گفتند همان نکته شنیدند
فریاد که در رگه‌ذر آدم خاکی
بس دانه فشانند و بسی دام تنیدند
همت طلب از باطن پیران سحر خیز
زیرا که یکی راز دو عالم طلبیدند
زنهار، مزین دست به دامان گروهی
کز حق ببریدند و به باطل گرویدند
چون خلق در آیند به بازار حقیقت
ترسم تفروشد متاعی که خریدند
کوتاه نظر، غافل از آن سرو بلند است
کلین جامه به اندازهٔ هر کس نبریدند
مرغانِ نظر بازِ سبک سیر، فروغی
از دامنهٔ خاک بر افلاک پریدند
فروغی بطامی